هو اللّه تعالی شأنه العزيز - مکتوب آن جناب واصل گشت.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٣٤٢

### **هو اللّه تعالی شأنه العزيز**

مکتوب آن جناب واصل گشت. گويا نسيم صبای جان بود که از سبای حبّ محبوب عالميان مرور نمود يا نفحه گلزار رياض احديّه بود که به مشام عاشقان جمال هويّت درآمد. فی‌الحقيقه آيتی از انقطاع الی اللّه بود و پرتوی از اشعّه منبعثه قلب خالی از ما سوی اللّه. للّه الحمد که بندگان حقّ دائماً در صعود به معارج انقطاعند و بر صراط قيّم امر به خطّ استوا سالک و برقرار، طوبی لهم و حسن مآب. عالمی در شرّ و شورند و به غير اللّه مسرور، اين طيور آشيان خلّت نيز به محبّت اللّه در غربت و کربت شادمان و پرحبور. جز حقّ چيزی نخواسته و نخواهيم و جز پناه او مأمنی نجسته و نجوئيم. دل به ذکر او مشغول و از غوغاء آفاق بی خبر و مهجور. جز نور مشرق تابان به قلوب روح و ريحان نبخشد و غير از شمع عالم‌افروز رحمن ظلمات امکان را محو ننمايد. اين گوشه عزلت از مسند عزّت رفيع‌ تر است و اين غربت و کربت از صد هزار وطن و راحت دلپذيرتر. بر لوح امکان و صفحه وجود اين نقش ثابت و پايدار است و جز اين کسراب بقيع يحسبه الظّمآن ماء. هرچه سبب حيات عالم است پاينده و برقرار است و دون آن لباس عاريت و بی‌دوام. فامّا الزّبد فيذهب جفاء و امّا ما ينفع النّاس فيمکث فی الارض.

مرقوم فرموده بوديد که يحيی تقريضی بر مقامه حريری نوشته است. سبحان اللّه با وجود آنکه جناب نحرير فاضل و عالم کامل شيخ جليل در آن ديار موجودند چگونه اين شخص جسارت بر اين نمود. خزف به بازار جوهريان چگونه درآمد و نحاس مغشوش در مقابل ذهب خالص چگونه پرده برانداخت. اگرچه گوهرش آشکار گشت و جهلش پديدار قل هذا فضاء فيه کلّت اجنحة النّسر و العقاب فاين انت يا ذباب و هذه ايکة لَکِن فيها لسان العندليب من النّغمات فاين انت يا غراب و هذا مضمار زلّ فيه اقدام فوارس العلوم فاين انت ايّها الظّالع الجهول اطرق کری اطرق کری انّ النّعامة فی القری رحم اللّه امرءً عرف قدره و لم يتعدّ حدّه.

جميعا صحيح و سالم به ذکر آن جناب مشغولند. اسبابی که خواسته بوديد جميع حاضر است الّا استيکان‌ها که نوشته شده است که از اسلامبول ارسال نمايند. انشاءاللّه بعد از رسيدن کلّ ارسال می‌شود. جميع را سلام برسانيد. جناب مسافر جديد شما ک را بسيار بسيار عشق و نياز برسانيد و بگوئيد چون اسم شما کمالست و تا انسان جميع حالات دنيا را نيازمايد کامل نگردد لذا آنچه واقع شده است انشاءاللّه سبب علوّ و رفعت است، عيبی ندارد و مزاحاً اين آيه را بخوانيد يا عبادی الّذين اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة اللّه انّ اللّه يغفر الذّنوب جميعا کما غفر عن رشدی عيوبی و بگوئيد آن دو مرغ آواره نيز در آشيان غربت اين طيور آواره منزل نموده‌اند. الحمد للّه حزن و المی ندارند. به ياد شما خوشند. انشاءاللّه نمی‌گذاريم از هيچ جهت محزون باشند والسّلام. عباس ٧ ربيع‌الاوّل ١٢٩٠ نمرو ١.